

درین جریده از هر گونه علوم و وقایع سیاسی
و منافع دولتی و فوائد ملی بحث میشود
ازوزرا و اعیان دولت بقدر
معارف دوستی شان

برای مکاتب ملی و کتب خانهای ملی
و معاونین و وقایع نکاران (فخری)
را یگان

از عموم خریداران در داخله
(۱۲) روپیه کابلی در بخارجه
نم پوند انگلیسی با محصول پوسته

از غلاب و محصلین نصف قیمت
شماهه

داخله خارجه
(۸) روپیه (۷) شانگ

اداره خانه
(د) افغانستان کابل

سردیور
سید محمد قاسم

همه امور تحریر یه بنام

اداره فرستاده شود

اداره در انتشار و اصلاح مقالات
وارده مختار است

هر هفته یکبار نشر میشود
او را یکه درج نشود اعاده نمیشود

از ابتدای وطن هر که اهل دیده شد بدون خواهش
جریده برایش فرستاده میشود

قیمت یک شماره یک عباسی

تاریخ فری (۱۸) شaban (۱۳۴۴) شیری

(۴ شنبه)

تاریخ شمسی ۱۲ حوت ۱۳۰۴ شیری

امان وحدت

۱۳۷۳

تا این منظمه بحالت استقلال و آزادیست . امانت محبوط ما از بین طرف مصئون و ترقیات داخلی ما ممکنست ، واگر استقلال این قطعات خلدار می شود ، امید امن و ترقی مامعدوم میگردد .
وازینست که پادشاه غازی غیور ما دایما احتمله حیاتی را تقدیر نموده و حضرة معتنی اوقات سیاست و سیاسیون مارا بادولت بر طایه همین مسئله املا کرده است ولی هنوز بقدر کفايت توجه داده نشده است : توجه منصبداران نظامی خود را به احتمله مهم عکری و حیاتی وطن جلب نمودن . و فقط نظر حکومت هندوستان و نقطه نظر کاینه انگلستان را در موضوع این قبایل که در هر موقع باما همدردی لازمه نموده اند ، حتی در بغاوت منگل نیز) شرح نمودن وظيفة ضروریه مجموعه عکری است .
مقاله ذیل که در مجموعه عکریه انگلیزی یکال قبل نشر شده است ، برای ایضاح تاریخ بحمل بالیه های مامورین حکومت هند و دلایل ایشان و حالت عمومیه سرحد از نقطه نظر خود آنها ، مفید و بسیار شایان دقت است ، امیداست ارباب فکر ملکی و نظامی در بنموضع ما را از تجاوز و آرای خود اطلاع بدهند .

کاینکه افسئله ضروریه عکریات افغانی یعنی مسئله سرحد را درینجا نو مطالعه میکنند ، باید محترم باشند که دلایل مسطورة اینحاله را ساده دلایه قبول نکنند بلکه به بسیار غور و خوض بخوانند ، برای همین ، جهای لازم را مترجم میگردند

* قبایل مستقله سرحد *

با

(یک مسئله حیاتی برای افغانستان)

* از مجموعه عسکریه کابل *

(۱)

از شش سال باین طرف تمام دنیا دانسته است که افغانستان بعقب ماندن خود مدرک گردیده و آبروزه نهاده خودست و برای این « ترق » قدر و قیمت امن و صلح را بخوبی فهمیده و همچنانه مساعی جایز برای دوام صلح و امنیت کرده و خواهد کرد . حتی منصبداران عسکری افغانی نیز این صلح جویی پادشاه غازی خواهارا از همه پیشتر مدرک اند .

برای اطمینان به دوام این امن بعض مسلمات موجود است و یکی از مسلمات نظامی که اخلاق نیافتن این « امن » محبوط را از طرف همایه های ما اطمینان بدهد . در طرف جنوب و شرق ما وجود منطقه مستقله است که بن « دیورند » و « سرحد عکوم واقع ، و جنابجه نامش نشان میدهد بصورت مستقل و آزادی زندگانی دارد .

ساکنین این قطعه دلاور و جنگجو . و دیندار و آزادی پرست افغانهای هستند که همگی مسلح و خوب تجارت جنگی دارند .
ملکت شان کوهی و دشوار گذار است .

بر سرحد بنام «سرحد مسدود» معروفیت داشت، و شوق را که افسران برای عبور سرحد والقایی دوستی با قبایل یاد میکردند، می شکستند (۴۰) بیداری عساکر و تهانه های ملیشیا در مانع داره های که از ایام قدیم بر سرحد مری و بخی می افتادند کامیاب شدند. چنانچه وقتیکه داره می افتاد قبیله مذکور جرم کردند، اگر چه برای حقیقت دادن جرم مذکور وسایل کمی موجود بود، چون مقدار جرم ناقابل تحمل نمیشد. آنکه بمحابره یا سوق الحیش قبیله را سزا داده نمیشد.

حالا میلی عیانها در عوض خوش سلوک آنها تادیه میشود، و چون داره می اندازند، از همان مبلغ یکمقدار بسلم «جزای نقدی» وضع میشود و این یک اصول صاف و ساده رشوت دادن است. ولی تا تجذی که نمکن بود این اصول را سندیمان پایندی نمیکرد.

از سخان پسندیده را بر سندیمان یکی این بود که میگفت: شما یک افغان یا لوج را نمیتوانید به محض حیر و شدید رام کنید هر چند تهدید شما بر قوای آنی و عملیات مکرر حاضر عکسی مؤسی باشد — شواهد زیادی در تاریخ سرحد شمال مغرب ما بر صداقت اینمثله موجود است. رابرست سند یعن اولاً، افسران زیر دست واحدین آنها را جلب نمایند هم چنانکه او باره سای قبیله همی بلوچ دوستی ها پیدا کرده بود، وقتیکه دیپی کفر (نایب حاکم) شیره غازی خان بود.

لئن آنکه باور نمیکرد که همیشه قبیله متجاوز شناگه کار میباشد، و دیگران بر آنها متجاوز نکرده میباشد. واوهیشه ظاهر میکرد که او برای حل خفقان قبیله متجاوز بر مجاوز علیه بواسطه جرگه ها حاضر و معتقد است. نالا اوره سای قبایل را وقیع تغواص میداد که آنها عده پاده و سواره مسلح شگاه میباشدند، برای آنکه در آینده بواسطه آنها انتظام خود را در قبایل برقرار داشته باشند.

این اصول ها بردو «فرضیه» مبنی بود. اول اینکه در هر قبیله افغان یا لوج با آنکه دموکراتیک هستند، بعض روسا باقیوند کم یا بیش موجودند، و اقتدار قومی آنها اگر موڑاً اهانت شود، قبایل را باطاعات خیور ساخته میتوانند. در بلوچ ها این اقتدار باستانی تسلیم شده میتواند وعادتاً صرف در یک شخص موجود میباشد. اما در افغانها اقتدار بسب احیات دیموکرا کرا تانه افزایش زیادیت وضعی است آکثر رؤسای اگر کان شدن بر طایع حکم نایبدیر افراد اقتدار چنانچه نمیتوانند. و برای آنکه نفوذ

مذکور با حکومت بر طالوی هندوستان دوست باشد و حالت داخلی مملکت او را خلل نرسد. وقتیکه این هیئت به کلات رفت در آن وقت خان کلات با سردارهای خود در جنگ بود در نتیجه مذاکرات خان سیاست بر طالوی را پذیرفت، اگرچه داخله مملکتش مستقل ماند! حکومت هند را اجازه داشتن یک اجنبی در کلات و اقامه عساکر منتظم در کویه و تعمیر راه ریل و خطوط تغیراف داده شد.

این بود نتایج اولین پالیسی سندیمان از اداره قبایل سرحد کشادن ملک آنها برای تجارت، منع مخاربه یعن قبایل، ملازم ساختن افراد قبایل برای حمایه وسایط مخابره، و تاسیس مرکز های عسکری در نقاط محظوظ بخش که از آنجا با محلات افغانها نیز مقابله کرده میتوانست. اهمیت این تجویز آخرین درانایی حرب دوم افغانها نابت شد که قبایل بلوچستان خطوط تغیراف مارا خوب حفظ کردن با آنکه نزیر کنترول آورده شده بودند! در آخر این حرب در ۱۸۸۱ رابرست سندیمان را که اینجیت واپسی ای در بلوچستان بود اختیار داده شد (با وجود مخالفت بعضی ها) که (پشین) و (سوی) را که متعلق امیر افغانستان بودند ولی امیر در آنجا نفوذ کی داشت الحق نماید. در ۱۸۸۳ بلوچستان زیر نام (بلوچستان) بر طالوی (پاملکت بر طالوی) مزوج شد. و اختلافات خانگی که از ۱۸۷۶ شاهه ور بودند رفع شدند. قبایل دیگری نیز بتدربیج بدون امداد حربی، (غیر یکدفعه در ۱۸۸۴ در زوب) زیر کنترول آورده شدند، و در ۱۸۸۹ تمام بلوچستان وزوب تا تخدود افغانها زیر انتظام در آمدند.

در ۱۸۹۰ رابرست سندیمان بکشادن دره گومال موظف شد. با آنکه حکومت پنجاب دو سال قبل بین درین کار ناک شده بود، سندیمان این را به کامیابی پیش برد. بدختانه سندیمان در بال آینده آن فوت شد. پالیسی سندیمان را سهیو گک برنس یائصورت تاجیخیم می ناید:

اصولی که رابرست سندیمان اطیق کرد، عموماً به نام «خدمت قومی» مشهور است بعضی می گفتند سه این اصول تها در قبایل بی تصرف امکان کامیابی دارد که در آنها روح تعصب ضعیف و اطاعت سرکرده گانشان زیاد است. اما این اعتراض مخالفین را کامیاب سندیمان در معامله با وزیری ها و شیخی ها مؤثر ساخت کرد. این قبیله افغان تمام تجاوزات حکومت پنجاب را برای باز نمودن دره ها چل سال کامیابانه مقاومت نمودند. در آنوقت پالیسی حکومت پنجاب

خیانت هایشان که بیان آن سبب طوالت مجلسی گردد امردادم که یک و نیم سال در کابل بندی کرده شوند محمد ناصر خان کاتب کنند نقیه را هم سه سال جس کردم بحرب اینکه کارش کاملاً بی اسان بود نه دفتر داشت و نه رابورت اجرا آن خود را بمقامات لازمه آن فرستاده است و هم خوراک چند راس اسپ را که در کنند بلکل نبوده از دفتر حواله و بران کرده بحیب خود انداخته است، حتی در همین تفتش از دروغگوی خیانت کاری خود دست بردار نشده در موقع استفسار ازان اسپانی که جیوه آن را از مدتی بکیه خود می انداخت گفته این اسپ های کمند پیک خدمتی که معلوم نیست به قلعه جدید رفته است و در قلعه جدید اظهار نموده که قندهار است حیف است نام نظام بر امثال این ملعونها نهاده شود.

محمدیونس خان سرحد دار قلعه جدید علاوه بر اینکه به مراد بعض تجار در گذرانیدن اموال گزی سازش نموده بود و سرآ به مراد آنها معاونت بهم می رسانید، از امور سرحدیه باندازه بی علم و ناواقف بود که نسبت به او بیکه بهتر گفته میشود از ضبط و وریط قطعه متعلقة خود کاملاً بی خبر بود حتی در موقعیکه هیئت تفتشی برای تفتش کارهای او وارد قلعه جدید شده بود، وی آنجا سریالین نهاده در خواب بود. دلالت الزام او بسیار است و بیان نمودن تمام آن مأمورها از کار می انداده زد امر کردم که اورا سه سال جس کنند البته ازین مسئله هم واقف خواهید بود کسانیکه که زیاده از یکمال جس شوند آنها آنیا خدمات باشرف نظامی پذیرفته نمیشوند ولی مدام العرار خدمت عسکری مطرود میباشدند

میرزا محمد سرور خان مدیر لوازم سابقه (۶) ماه جس محمد سرور خان کپوندر که کارهای او هیچ اسان و تریکی نداشت و بدر جهانست به او کارهای شفاخانه مانکی بهتر بود از خدمت نظامی طرد شد.

شمسوار خان (۲۰) ماه جس - تحویلدار شفاخانه (۰) روز جس محمدی خان مدیر لوازم که رابورت و معلومات ندارد و کاری نموده است که یک جویان نسبت به او در اداره کردن گویندان خود خوب کار میکند (۴۰) روز جس - یاور فرقه (۴۰) روز جس گدامدار قلعه جدید از خدمت نظامی طرد، و گدامدارهای خود قندهار موقوف، محمدحسن خان - کندکنر و محمد شریف خان غدمشیریک یک هفته جس عادی.

یک محمد خان فرقه مشر جون نوآمدۀ است چنانچه متوف

(۰) امید است که قاریین خیور متوجه این نکته هستند که متوجه

استعمال این الاظاه را هالک انسایت خود میداند و از طرف متوجه نیست ول چون باید متوجه هیئت ترجه کند و خیالات آنها را در الاظاه خود شان نشان بدهد همیورا این الاظاه را استعمال کرده ام (متوجه)

هم براید باید رفته تعلیم نظامی خود را پوره کند. البته بدل نقدی را محض جهت آنکه زیادتر طرفداری آنرا میکنند هزار روپیه در قدهار منظور کردم در تصویرت گویا تعییل هردو فکر شد. وختاً پیشتر نفری برای حفاظت دین و وطن خود داخل نظام میشوند.

مدیر پسته خانه شما هم خدمات خوبی کرده است لهذا اورا باعطا نشان درجه دوم استور افتخار میدهم.

علم تلگراف کار خوب کرده و در تعلیم شاگردان کامیابی نموده است لهذا برای خود او و برای طبله او جیزی انعام نقدی میدهم چون که تا حال در کار دولت داخل نشده اند و امتحان فعالیت و کار روان عمل خود هارا نداده اند ازین سبب بایشان نشان داده نمیتوانم البته دعا میکنم تاخداؤند او شازا سرافراز و کامیاب گردانند.

اعنای منتخب مجلس مشوره مرکزی حکومتی قدهار هیچ یک خدمت درستی نه نموده اند من این هارا ازین جهت وکیل ملت خود قبول کرده بودم که آن در درسته والی را که بزرگ میکنم تا خوازاییک برآها از طرف دیگر بشود جلوگیری نمایند و فیصله ها شیک در عدله شنیده نشود آنها بزودی آنرا از نظر گذرانیده در تصفیه آن اقدام کشند و در تعیین جزای مجرمین زیاده تر متوجه باشند. و کارهای حاکم مامورین وغیره امورات محله خود هارا به بسیار خوبی و درستی با نجاح رسانند. اما متناسبانه اینها درین قدر مدت هیچ کاری نموده اند، فقط سنبل و سیکار نشته اند، لهذا من آنها را از مرکز تائب الحکومگی به مجلس محلی شان تبدیل میکنم و بفات خود اجازه میدهم که عوض آنها دیگر وکیل به مجلس مرکزی بفرستند.

در قدهار بودن بلدیه از حد ضرور بود، بنابران بلدیه اینجا را تکلیل کردم. اما برخلاف کابل چون آمدند اینجا فی الحال کافی است از خلتها شما محصول صفائی گرفته نمیشود زیرا که عمارتهای اینجا هر ساله مخارج زیاد و ترمیم بسیار بکار دارد واهی بمشکل از داغگیری و ترمیم آن برآمده میتوانند، اکنون رادرن مسئله بهمنه خود متفق دیدم و بعض نفری از تجار و اهل شهر چنان خواسته نمودند که باید بدل نقدی راهنم حکومت قبول کند اگرچه میباشدمن طرف زیادت آراء را گرفته بدل نقدی را کاملاً موقوف میکرم لکن آن کمی آراء هم باشدمن که حکم کروان کرده غیره شده ام میکنم که آینده در قدهار عوض دادن کاملاً موقوف اگرچه قرعه تاجر و دهقان

صاحب را بواسطه نوآمدنش با اینکه کارهای ابتدائی او خوب بنتگر رسیده مكافات ندادم اورا بهمین واسطه اگرچه چندان کار درستی تا حال نه نموده است مجازات نمیدهم، درین دفعه فقط اورا احتصار میکنم اگر آینده از فعالیت وجدیت خویش در ایفای وظائف خود کار تکریفه بود البته سزا سخت برایش خواهد داد حالانکه محمد خان را چندان ملامت نمیکنم زیرا کارهای اینجا آنقدر خراب بود که درین مدت کم سرویسی خود را یافته توانته است البته بعد از سه چهار ماه یک تقویت دیگر خواهد کرد، اگر کارهای او خوب دیده شد مكافات والا مجازات خواهد دید.

نهایند توجی قدهار خدمات خوبی کرده در ایفای وظائف خویش افهار فعالیت و مردانگی نموده اند اینک من هم هر یک از منصداران اورا با اندازه خدمات شان باعطا نشان تقدیر میکنم.

عبدالغیاث خان غندمیر استقلال حضری درجه سوم علی محمد خان کندکش استقلال حضری درجه سوم عبد القیوم خان تولیمیر — محمد نوری خان تولیمیر — دین محمد خان تولیمیر — غلام شاه خان تولیمیر — محمد اکبر خان بلوکش — محمد عنان خان بلوکش — محمد رجب خان بلوکش — محمد کل خان بلوکش — جمعه خان بلوکش — سید محمد خان کاتب — غلام حسین ساطعان محمدخان، هروحدشان استقلال حضری درجه (۴) (خطاب منصداران فوق) همه شما خدمت خوب کرده ایدمن از شما راضی هستم و بکوشید تا همینه نیک نام باشید و امثال شما بسیار شوند.

(داخله)

در مسئله بدل نقدی و عوض جانچه سابق ازین بعنای گفتم بخیال خودم بهتره است که نام هر کسی که در هوس برآید و در هر کاریکه باشد بایدکه داخل سلاح عسکری شده بعد تکلیل میعاد و ایس مخانه خود برود در روز جرگه هم همین طور بشما گفتم اکنون رادرن مسئله بهمنه خود نمودند که باید بدل نقدی راهنم حکومت قبول کند اگرچه میباشدمن طرف زیادت آراء را گرفته بدل نقدی را کاملاً موقوف میکرم لکن آن کمی آراء هم باشدمن که حکم کروان کرده غیره شده ام میکنم که آینده در قدهار عوض دادن کاملاً موقوف اگرچه قرعه تاجر و دهقان

شان درست و خوبست یانی. فی الحال برای شان جیزی انعام نقدی میدهم و بعد ازینکه تائب الحکومه صاحب تقویت کارهای شان را کرد، اگر حقیقتاً کار روانی آنها هم قانونی بود نه تنها برای شان شان بلکه ترفع هم خواهم داد. از خدابرای آنها توفیق خدمت و صداقت را می خواهم، و منتظر اجرآت خوب و درست شان هستم.

نسبت بدیگر حکام قدهار چه بذویم

«باقي خط و خال او سیاه است متین»
یک نفر شان لیاقت و اهلیت حکومت را حسب خاطر خواه من ندارند. وزحمات و خون جگر را که من برای آرامی و آسوده حال شما میکشم و کشیده ام نمیتوانند که پوره بشما بدانند. بلکه جیزهای بد و خربای را که بر شما اجرا میکنند حواله آنرا به نشانه نهاده که در حیب دارند می نمایند؛ و چیزیکه خوب است آنرا از دماغ خود میگویند که اجرا کرده ام ن مسئول خوبی و بدی نظامات خود خود می ایشم و بهمه این مامورین نادان لعنت می فرمم و بسیار آرزو دارم تا شما ملت خود تازرا از نظامات موضوعه حکومت تان که من در تدوین آنها محض جهت بهبود و آرامی شما خون جگر خورده ام. واقعه بخاید و نگذارید که این هم زحمت کسی و جان کنی های من براید رفته هر کس آمده از خیار و فکر خود بر شما اجرآت کند.

زیاده افسوس بر نادانی شما می آید که نهاین هنوز از طرفداری شخصیت باز نیامده اید و در موقع این باز برس که حاکم شما کیست میگویند که فلان است. از برای خدا حقیقتاً حاکم و امر بالای شما فقط قرآن و شریعت است وسیاست از طرف من که خیالات و احساسات مرا بشما برساند و نتیجه زحامت را برای تان بدانند شخصی بالای شما مقرر میشود. میباید شما عقب این مسئله نبراید که حاکم ما برایست اینجا را تکلیل کردم. اما برخلاف کابل چون آمدند اینجا حکومت افغانستان حکومت عسکری را نشان بدهد. حکومت عسکری بسیار یک چیز مدهش و سخت است و در موقعی اجرا میشود که در یک گوشه نلک آثار اختلال و نافرمانی بمنظور رسیدن چنانچه حال بر بعض اقوام سمت جنوبی حکومت عسکری جاری است.

از شما یک سوال فی بلکه پانزده پانزده سوال کرده ام که اکنون از آنها جواب یک سوال را هم گفته توانته اند فقط در تمام حکام قدهار تنها آدم خان حاکم پشت رو و غلام علیخان حاکم ارغستان و محمد ابراهیم خان حاکم کدنی جوابات درسی گفته اند؛ لکن نمیدانم که اجرآت او شان هم مانند جوابات

دینداری را بر شما مقرر میکنم خان و ملک و ریش سفیدهای شما میگویند که شما را از حکومت دور کنند. البته بدل نقدی در قدهار منظور کردم در تصویرت گویا تعییل هردو فکر شد. وختاً پیشتر نفری برای حفاظت دین و وطن خود داخل نظام میشوند.

مدیر پسته خانه شما هم خدمات خوبی کرده است لهذا اورا باعطا نشان درجه دوم استور افتخار میدهم.

علم تلگراف کار خوب کرده و در تعلیم شاگردان کامیابی نموده است لهذا برای خود او و برای طبله او جیزی انعام نقدی میدهم چون که تا حال در کار دولت داخل نشده اند و امتحان فعالیت و کار روان عمل خود هارا نداده اند ازین سبب بایشان نشان داده نمیتوانم البته دعا میکنم تاخداؤند او شازا سرافراز و کامیاب گردانند.

از دیگری پرسیدم که مجرم را بمحکم که مجرم میگویی و بندی میکنی گفت بمحکم خود. حالانکه حاکم های زمانه من از خود هیچ اختیاری ندارند فقط همان حکمی را که خدا و رسول و شریعت برای شان داده است اجرا کرده میتوانند.

از یک احق دیدری پرسیدم که حکومت عسکری چه وقت جاری میشود گفت وقت شام. چه کم حاکمی را که از طرف روز حکومت ملکی و از طرف شب حکومت عسکری را بالای مات عبیوم اجرا کردن بخواهد من اینطور حاکم را هر گز بکارندازم وغیره امورات محله خود هارا به بسیار خوبی و درستی با نجاح رسانند. اما متناسبانه اینها درین قدر مدت هیچ کاری نموده اند، فقط سنبل و سیکار نشته اند، لهذا من آنها را از مرکز تائب الحکومگی به مجلس محلی شان تبدیل میکنم و بفات خود اجازه میدهم که عوض آنها دیگر وکیل به مجلس مرکزی بفرستند.

در قدهار بودن بلدیه از حد ضرور بود، بنابران بلدیه اینجا را تکلیل کردم. اما برخلاف کابل چون آمدند اینجا فی الحال کافی است از خلتها شما محصول صفائی گرفته نمیشود زیرا که عمارتهای اینجا هر ساله مخارج زیاد و ترمیم بسیار بکار دارد واهی بمشکل از داغگیری و ترمیم آن برآمده میتوانند، اکنون رادرن مسئله بهمنه خود متفق دیدم و بعض نفری از تجار و اهل شهر چنان خواسته نمودند که باید بدل نقدی راهنم حکومت قبول کند اگرچه میباشدمن طرف زیادت آراء را گرفته بدل نقدی را کاملاً موقوف میکرم لکن آن کمی آراء هم باشدمن که حکم کروان کرده غیره شده ام میکنم که آینده در قدهار عوض دادن کاملاً موقوف اگرچه قرعه تاجر و دهقان

در خور تبدیل بودند، اینک از کابل عوض آنها را می‌فرستم و آنها نیکه در وظائف خوش اندکی سنت نموده بودند برای آنها گوش تابی دادم که آتیا درست می‌شوند. پس امر می‌کنم که شما پیشتر از پیشتر در تعیین احکام و امر آنها بکوشید و آنها نیز اصرار و توصیه می‌نمایم که اضافه از مندرجات نظامات دولتی را شما رفتار نکنند.

زیاده برین معاملات تغییری خالص شد و خلاصتاً مأمورین اینجا را برچار قسم دیدم اول کسانیکه کار درست نموده بودند و جزای اعمال خود را دریافتند — دوم ذوایکه در وظائف خود از فعالیت وجودیت کار گرفته بودند و مکافات دیدند — سوم آنها نیکه اندکی سنت و قص در اجرای آن و کارهای شان بود و اخطار شدند — چهارم اشخاصیکه بطریق متوسط کار کرده بودند و هیچ به آنها گفته نشد.

درین مرتبه از آنها نیکه برخلاف قوانین و قفار کرده بودند و یا در اجرای آن خویش متعطلی و تبلی را راه داده بودند که تراز خواست کردم البته در موسم بهار و باخزان سال آینده که بازم بقدھار خواهم آمد اگر مکرراً از آنها این چنین یک فروگذاشتی بنظرم رسید البته که از آنها باز خواست شدید خواهم کرد زیرا که بعد از نصیحت ارتکاب گناه جزای سخت دارد.

دو مسئله دیگر باقی مانده است که در آن زبانه ترجمه اندکی از سنت شان است لکن گمان می‌کنم که ازین تعریف باخطاری که من بدشان داده ام در آینده تمام کارهای شان خوب خواهد شد و نسبت بدیگران بسیار بیش خواهد رفت.

دیگر کارهای نائب‌الحكومة صاحب خوب است فاعلیت کیات من اندکی از سنت شان است که این گمان می‌کنم که ازین تعریف اشخاصیکه هر روزه بهرام من می‌بودند و آن خوانین و جوانان نیکه محبت و مهربانی مرا دیده اند همیشه درین ایام اقامت من بقدھار نسبت بمامورین بفرمایشتر می‌بودند، اینطور خیال نکنند که من آنها را دستگیر و یا خود را استعمال کنید می‌باشد تا میتوانید کلیسا با خویش وطنی خود را استعمال کنید می‌باشد تا میتوانید بصورت گله ساخته بینهای وطنی را زیرا در قدهار بسیار افسوس دارم که تا هنوز لباسهای وطنی را کی استعمال نمیکند، شما خبر ندارید که این پولهای شمارا که دشمن های تان بنام رخت و تیل و غیره واردات خارجیه از شما میگیرند بصورت گله ساخته بینهای خودتان میزند.

از شما میگیرند بصورت گله ساخته بدهید و بپوشید و استعمال نیز باید ضرور لباس خود هارا ترقی بدهید و درین تکه کردن آن از هم دیگر سبقت ورزید. اگر فی الحال بر اینان تکه عزت و احترام نمینگرم. نی؛ چون آنها را عزت و مامورین خود را بنظر میزدند و اگر من آنها را احترام نمایم و هم درینجا فارغ نبوده کارهای و بکابل پیشتر اوشان را دیده ام و هم درینجا فارغ نبوده کارهای شان زیر تفتیش بود اگر من آنها را به مجلس خود می‌خواستم جواب و سوال تفتیش را که میگفت. پس شماها این آمد و درست و نشست و پیش خاست خود را احضور دستاویز خود نگیرید، و نشست و پیش خاست خود را احضور دستاویز خود نگیرید، و نگویند بمحابیکه من می‌نشتم مدیر کرک و مستوفی آمده نمیتوانست با من نسبت به نائب‌الحكومة زدیکتر و پیشتر می‌بودم نیز! باید احترام مامورین خود را بر طبق نظامات حکومت قطع اینقدر افسوس میکنم که قدری است کار کرده است میباشد غایید زیرا کسانیکه خیانت کرده بودند جزا دیدند. اشخاصیکه

برای بعضی ازان خوانین که درین مرتبه نه کشته شدندندونه بکابل روانه میشوند جنان امر دادم که اگر یکی از ملازمین و متعلقین و آدمهای شان بذری و دهاره دستگیر و یا شاخته شدند دفعه اول خان و بادار او علاوه بر مجازاتی که آدمهای شان از طرف حکومت می‌یند از دو صد رویه الی بتجهیزه بجزای نقدی و یا از دو ماه الی سه ماه جبس شود.

مرتبه دوم اگر باز بتکرار ملازم و آدمهان خان در دزدی و دهاره دستگیر و یا شاخته شد درین مرتبه جزای نقدی نی بلکه خان مذکور ضرور جبس میشود.

میباشد بعد ازین خوانین و صاحبان رسخ شما عقب دزدی و دهاره بازی و دیگر منامی نگرددند و به آدمان و ملازمین خود نصیحت کنند و این چنین اشخاص اوباش ویله گرد را با خود نگه نگه نکنند که موجب خجالت و مجازات شان به تزد حکومت باشند.

چون جزای نقدی فقط در امور عدیله موقوف است و در مالیات وغیره امورات سیامی جاری است این بولی را که بصورت جزای نقدی در مرتبه اول از خوانین و صاحبان رسخ که قری آن در دزدی و دهاره بازی دیده شوند. میگیرم بصورت امانت تایلک موعد مقرر نگه میدارم و باز بشرط مقرر برای شان واپس میدهم.

ملت عزیزم؛ بدانید خودم بجز از آسوده حالی و آرامی نبا دیگر چیزی را نمیخواهم ازینست که چند خان خان را که موجبات پریشانی و در بدري تازرا تولید میکردد کشتم و چندی از آنها را نظر بند با خود میبرم و برای اشخاص باقی مانده آنها ایظفور قیود سخت را مقرر داشتم، و ای بجان آن خان خان ویرانی که زیاده برین عقب شیطانی و حر امزادگی و پریشان والا به کابل اطلاع داده شود. تاعوش آنها بین اشخاص درست فرستاده شده آنها از حکومت موقوف شوند.

یک مسئله دیگر که موجب پریشانی شما و محل امانت اینجا بوده هانا وجود چند نفر خوانین خان شما بوده که پیغمراه خود چند نفر دزدهارا نگداشتند شب و روز درنا آرامی و پریشان حال شما میگوشیدند، اینک مغض آسوده حالی و آرامی شما چندی از آنها را ماند بخی خان کشتم و بعضی را با خود بکابل میبرم زیرا که نسبت به همه کس نزد خودم شما طبق عاجز ملتمن عزیز میباشد و حکومت من بخان و ملک و دیگر صاحبان نفوذ امیت نمیدهد، خودم فقط اول خدا و دین اسلامی خود را می‌شناسم و باز رعیت خود را وس. اگر اشها آرام بودید همه ما آرام و آسوده خاطریم و اگر شما نآرام باشید بلا به پس آنها.

کلان و اعلی و متعاقباً بعد از اتفاقی می و شش سال او را سائب الحکومگی بر سام، نی؛ باید علاقه دارهای ما جوان باشند تا آهسته آهسته در کار روان خود قابل و صاحب تجربه شده قرار سلسه صرات و زیادت عمر ترفع نموده وقتیکه بیرون تجربه و دانسته شدند در آن فرصت به منصب های بزرگ رفته کار نمایند:

یک مثال دیگر بشما میگویم آیا یک پیر نود ساله می‌تواند که مانند این تولی مشرهای جوان ما بدوند و یا جست و چالاک کار کنند، نی؛ نمیتوانند. البته بعد از یک مدتی که در نظم کار کرده و خدمات خوبی را انجام دادند رفته رفته بمناصب بیاند تر ترفع میکنند و در آخر مانند محمد نعیم خان نائب سالار که حالا پیر شده اند یک شخصی فهمیده و دانسته میشوند که امروز از تگ دو و چهی و چلاکی او نی بلکه از فکر و تجربه و دانستگی او کار گرفته میشود.

اینهایکه در امتحان ناکام مانده اند از جله (۱۵) فقره سوال هر فقره را که جواب نگفته اند فی سوال یکصد رویه جریمه از آنها میستانم و تا زمانیکه من عوض آنها حکام لایق و درست از کابل بفرستم آنها را ماند سابق حاکم خود شناخته اطاعت شازرا بکنید برای آن حکام شما که مانند اطفال از امتحان من پهلوی کرده حاضر نشده اند چند سوالات نوشته در یک پاکت سربسته میگذارم تابعه از احضار آنها آن پاکت را بحضور یک جمعیت بزرگ کشاده در همان مجلس جوابش را بنویسد. اگر جوابات درست و معقول نوشته هایان که بر حال والا به کابل اطلاع داده شود. تاعوش آنها بین اشخاص درست فرستاده شده آنها از حکومت موقوف شوند.

یک مسئله دیگر که موجب پریشانی شما و محل امانت اینجا بوده هانا وجود چند نفر خوانین خان شما بوده که پیغمراه خود چند نفر دزدهارا نگداشتند شب و روز درنا آرامی و پریشان حال شما میگوشیدند، اینک مغض آسوده حالی و آرامی شما چندی از آنها را ماند بخی خان کشتم و بعضی را با خود بکابل میبرم زیرا که نسبت به همه کس نزد خودم شما طبق عاجز ملتمن عزیز میباشد و حکومت من بخان و ملک و دیگر صاحبان نفوذ امیت نمیدهد، خودم فقط اول خدا و دین اسلامی خود را می‌شناسم و باز رعیت خود را وس. اگر اشها آرام بودید همه ما آرام و آسوده خاطریم و اگر شما نآرام باشید بلا به پس آنها.

جون برای ملک و ملت خود خدمت میکنند در خور اعزاز و احترام میباشد حتی اگر خودم برای افغانستان جارو کشی نمایم همین جارو کشی را چون برای ملکت و ملت خوبی نمایم فخر خود میدانم . اگر تکه های وطنی بروجود تان کمی سخت و درشت آید با درشتی آن چون از وطن تان است بسازید و درین مواد فقط متابعت شخصی مرا بخاید که بجز پیدا وار افغانستان دیگر حیز را استعمال نمیکنم . هر قدر ممکن باشد کرباس وکوسی و دیگر محصولات قندهار را ترق بدھید که خیرو ببود شما در همین کثرت وزیادت پیداوار ملکت خود تان است - (۲) در معارف از حد زیاد بکوشیدور آئینه اولاد خود رحم کنید و آن نصلی را که مکرراً در موضوع تحصیل علم و عرفان بریتان کرده ام از گوش تان نکشید .

وداع عمومی

(در اینجا ذات خسروانه از چوکی شاهانه خوبی ایستاده و به مقامی اخذ موقع نمودند که جمهور امام او را بخوبی دیده میتوانست و عموم حضار نیز مؤبدانه بحضور خسروانه ایستاده و اعلیحضرت هایلوی باز قرار آئی بر نطق خود دوام ورزیدند)

الله این خادم عاجز افغانستان و تمام ملت افغان را چنان توفیق رفیق گردان که برای علم اسلام خصوصاً افغانستان خدمات درستی را درین دنیا انجام داده و دران دنیا در جهان خدام نیک نام افغانستان و اسلام بشمار بروم . بسیار آرزو داشتم که تمام شها را در بغل کشیده از سر و روی شما پرسیم و با شما وداع کنم اما چون از حد زیادید و از خدای برتر هنوز زیادت و کثرت شما را آرزو و مسئلت دارم فقط از دور جشم های بر از اخلاص و روحهای شما را بپرسیدم همه تماز اخدا می پارم فردا فقط در موتو بادست همراهانها وداع خواهم کرد حال بهمین جسم یوسی از دور اکتفا کرده بشما تاکید میکنم که این نصانع را که در اینقدر مدت بشنا نمود از گوشها تان نکشید زیاده برین شمار بخداوند پردم فی امان الله

مالک خارجه

مفاہه یعنی ترکیه و فرانس

استانبول - ۱۵ فروردی - گفتگوی که بین نایانده فرانس موسیو توی نایل و حکومت ترکیه در افقه میباشد در باره آن بجز اطلاع مختصر قابل بقین چیز دیگری نیست که رفتار مذاکرات بطور عدد جریان میباشد - لیکن یک اخبار ترکی می نویسد که بر اموراً هم مفاہه شده ، استانبون میهم بایلیس و چند دههات قرب و جوار آن و هفت موامع دیگری که در قرب و جوار فیلر واقع است به ترکها داده شده - این حدود تاکنون بطور

برای حمل و نقل فوجی تاکردهستان استعمال کنند اما وقوع این اراضی در علاقه شامات بودن آن در قبضه فرانسویها ترکها را از کامیاب شدن بمقدار شان مانع نمیشود

(فوج انگلیس و عراق)

اتصال هوائی از قایقه الى کراجی

لندن - ۱۹ فروردی - اگر در عراق و اتحاد غیر متوقع سیامی ظهور نیافتد . در آنوقت فیصله جمعیت اقوام را که راجع به شمال عراق کرده شده ملاحظه داشته در لخواج متبینه عراق پسندیت کمی کرده خواهد شد - فیصله نموده اند که از یکم ماه جنوری ۱۹۲۷ از کراجی الى قاهره یک سلسه پرواز را فلیم کنند و بین انتظام کنند تا در مایین قاهره کراجی بست به پانزده روز پتواند برسد .

(اجلاس مجلس ملیه مصر - تأیید مسلک ز غلول پاشا)

قاهره - ۲۰ فروردی - مجلس ملیه مصر جلسه را منعقد کرده که از طرف سه پاری مخالف حکومت اتفاقاً یافته بود احتمام آن بخیرت شد . ز غلول پاشا وقت افتتاح جلسه فرمود که به تحمل و سکون کار را بایستی پیش برد - و بر صورت اصلی و حقیق مسئله خوب باید فکر نمود ، در انتخاب جدید مطابق ضابطه انتخاب تحریر به شده سنه ۱۹۲۴ باید حصه گرفت - و بین فرمودند که بنده بر کاریه حالیه اعتماد ندارم و از حکومت مستعدی هستم که تا جلسه مجلس معمونین جدید الانتخاب اتفاقاً نیاید راجع به بست معاہدات ، منظور نمودن ضابط جدید و یا از پیش کردن تدبیر مالی ، اجتناب خواهد کرد - مجلس تعطیله نظر پاشا را قبول کرده به کثرت آرامتفق شدند

(فتح قابل شلیل ز غلول پاشا)

قاهره - ۲۱ فروردی - بزیور پاشا حلیان ز غلول پاشا و کلای ملت را اعلام داده که این قرارداد جدید را کوکلای ملت بصورت مطالبه منظور کرده مدنظر گرفته و کاریه حاضر است که قانونی را که ز غلول پاشا راجع به گرفتن رای ساخته به پایه تکمیل برساند تا هر فرد ملت حق رای دادن را داشته باشد

حسین یاسین سر کرده طلب به طرفداران خود دعوت داده که بسازن ۱۹ فروردی بوقت اتفاقاً و مقر قوی مظاهرات عظیم الشان بکنند ، اما و فد از طلبای خواهش کرده که در آنوقت ساکت و خاموش بوده حرکت یجرا ننمایند

عارضی بسب حد سندي علیحده بود - اما از همه آخر تر و هم تر حرف افست که آن علاقه سرحدی که از آن جا راه آهن بنداد میگذرد به تصرف ترکیه می آید - اگر خبر جریده ترکی و است باشد دادن این علاقه چیز متمیز است .

جواب ترکان به مجلس لو کار فو

عهد نامه جدیدی یعنی ترکیه و فرانس -

استانبول - ۱۹ فروردی - در افقه عهد نامه جدیدی که بین ترک و فرانس ترتیب یافته امضا شده که مطابق آن در بین شامات و ترکی یک سلسه همسایگی باز جاری گردید ، ترکیه و حکومت شام بهم محل غیر جانبدار خواهد بود - باغی های ترکیه از شامات و باغی های شامی از ترکیه یرون رانده خواهد شد .

توافق رشیدی بگت که با موسیو توی نایل متفق شده بر این عهد نامه امضا کردن می گوید که این معاہده ضمیمه اعزامی مبنای افقه است - و ازین در روابط فرانس و ترکیه مدد بسیار خواهد رسید - نصف شب با مصروف تمام معاہده را گرفته به سفارت فرانس رفتند و در بین عکس مرصع مصطفی کمال مشته بر معاہده امضا نمودند .

عهد نامه یعنی ترک و امریکه

ین ترکیه و امریکه نز نماعده امضا شده - مطابق به این عهد نامه ریاستهای امریکه را برای ۶ ماه آن راهیات خصوصی حاصل گردیده که بالصور از همه زیاده با قوم ما نوش کرده میباشد ترکیه محصولات گمرکی خود را که اضافه کرده امریکائی ها از آن مستثنی خواهد بود ، یعنی از اراضی یکانی ها محصول زیاده گرفته نخواهد شد

ریل بنداد و ترک

لندن - ۱۹ فروردی - مطابق عهد نامه ترک و فرانس یکحصه راه آهن بنداد به تصرف ترکها می آید اما معلوم نمیباشد که از سامه - تاراجون همان اراضی هفت میل تا کون در علاقه شامات واقع است - ترکها میخواهند راه آهن بنداد را

جوانی!

ای مکاتیب پر از عشق و قوای جوانی من، شما هستید؟...
منی وسرور شما هنوز مرا سرمیست دارد! مطالعه اسرار شما
چه اشکها از دیده من ریخته است!... اجازه بدهید که
 فقط یک روز دیگر بدورة جوانی شما در آیم، بگذارید که باهم
 عقل وسروری که بنیت میدهند، برآن نایم سعادت آمیز
 اشک حسرت بیارم!

مجدہ سال داشتم، تخيلات و افکار هاشقانه مرا حدی
 نبود. امید چه نوید های دروغ بنیت میداد! ستاره در آسمان
 عمر درخشیده. دیدم کان مرا خیره کرده بود: طفل بودم
 طفلی که امروز با همه عقل و تجربه رخسارم پیش او از نرم
 گلگون است!

جوانی دوره خواب و خیال، رحم و قدرت، عشق و افتخار
 سادگی و غرور بود! همه حیز در نظر من بالک و ساده بود.
 علم را منزه و بی آلاش مینداشت!

امروز دانا، و فهمیده و بینا هستم. خط و خطای راجحانه
 من راهی نیست، ولی آن جوانی بر از حرارت و امید که در نظر
 من، تیره و تار جلوه میکرد. هنوز هم در دیده من میدرخشید.
 و هنوز سعادت وسرور آن شاهکار منست!

ای سالهای جوانی. شناجه کرده بودم که از من چنین
 زود گریختید و دوری جستید؟ آیا گمان میبرید از شما راضی
 هست که باز آمده در مقابل من خود نمائی میکنید؟ افسوس
 که نیتوانید مرا روی پالهای خود گرفته در نهضای شادمانی و
 سرور جوانی سیر دهید!

دریغ! وقتیکه خیال روز کار گذشت و آن سالهای بر از
 عشق و غرور. در لباس سفید خود. که از احساسات و افکار
 جوانی ما زیور گرفته است. از نظر انسان بیگذرد ب اختیار در
 مقابل آنها بزانو درآمده از چشمان خود اشکهای حسرت
 میاراد؛ ولی افسوس که از آن روز کار جاتد. جز خیالات واهی
 و مشوش چیز دیگری نصیب او نیشود!

ایم جوانی مرده اند؛ باید آنها فراموش کنیم. نگذاریم
 که باد نیست آنها را در افق تاریث حیات خود و نا بود کند!
 از ما هیچ چیز بساد کار نخواهد ماند. اعمال ما تجربه دیگران
 است!

انسان در این عالم جوں شیع سر گردانی است که در عبور
 از اینه حی سایه هم از خود پاد کار نمیگذارد!

(از شفق سرخ)

(جنگ با مجاهدین شام)

پیروت - ۱۸ فروردی - دیشب بر شاهراه دمشق یک جنگ
 عظیم و قوع یافت درین جنگ ده نفر باغی مردند و ده نفر
 زخمی شدند. از سپاهیان فرانسوی و نفر زخمی شدند مشغول
 جستجو هستند تاباغی هارا بدست بیاورند -
 باغی هارا بمقام البری مقابله کردند - باغی ها بالآخره ۶۰ نفر
 زخمی را گذاشته رفته حسین سعدی اطاعت را قبول کرد.

سلطنت نجد تا حدود شام

سیاسی نامه نگار المقطعم مینویسد که تلفراق رسیده
 مندوب نجد مقیم دمشق به حکام فرانسوی خبرداده که ۶ هزار
 مجاهدین نجدی را بطرف قصر الارزق ودهات ملحق فرستاده
 اند تا که بر جوف قبضه نماید - این هوج کشی با جدو جهد
 در شام تعلق ندارد -

اینهم گفته میشود که درین شامی ها و سلطان نجد اتفاق
 نموده شده که در موسم بهار درین ۱۵ یا ۲۰ مارچ سنه ۱۹۲۶
 ده هزار سپاهی و هانی برای اینکه باشامی ها یکجا شوند خواهد
 رسید و این خبر فرانسوی هارا بسیار پریشان ساخته -

نامه نگار مدینه مقیم القدس می نویسد که در فلسطین راجع
 به تصرف نجد ها - بر جوف - و الارزق جوش و خروش
 بسیاری جاریست .

(المان، پولند و جمعیت اقوام)

برلن - ۱۹ فروردی - مجلس معاملات خارجی را بنشتاک
 المانی بذریعه یک قرارداد اعلام نموده است که المان برای این
 رکن جمعیت الا قوم شد که شاید در مجلس مشاوری لیگ
 جلی خواهد یافت.

ایکود بار بسی می نویسد که از تنقید این که درین مجلس
 مشاوری لیگ ولہستان واقع شده است. تصادم حکمت عملی
 فرانس و انگلیس اشکار است.

سفر انگلیس مقیم وارسا با صدر اعظم پولند یک ساعت
 مذاکره کرد. جرائد پولند این امید را اظهار می کنند که با وجود
 خالفت انگلیس پولند رکن مستقل مجلس مشاوری لیگ
 نمی خواهد شد.